

Occupational Pathology of Tehran Street Working Children: A Grand Theory Research

Abdoloh Shafiabady

Professor of Counseling at Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

Azam Kalae *

PhD candidate in Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Seyedeh Maryam Pourmousavi

PhD candidate in Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Abstract





Working children are part of the future capital and hopes of the country, which in the best days of their lives have to strive for livelihood. The purpose of this study is to identify the factors that cause and expand the harm of employment of working children in Tehran and to investigate its complications. This study was conducted with a qualitative approach, based on the data-based method and with a semi-structured interview tool. Targeted sampling was of 14 working children in Tehran. The results of the analysis of the interviews led to the identification of 40 open codes, 7 central codes and the selected code " Child labor, neglecting the hope of the future maker ". According to the findings, the factors affecting the creation and increasing working children included factors such as poor differentiation and physical disability, lack of parental care and support for the child, poverty and lack of support for low-income families. Some effects of this injury were also identified, including weakening self-concept, running away from home, workplace abuse, and a predisposition to delinquency. Obviously, in order to choose the right job for people at the right time of life, it is necessary to provide a platform for them to benefit from education, guidance and skills training. It is hoped that with more in-depth studies of the employment of working children, providing effective solutions and applying them, the path of growth and prosperity of these children will be paved and we will not see any human rights violations in the world.

Keywords: Pathology, Employment, Working Children, Grounded Theory

* Corresponding Author: am.kalae@gmail.com

How to Cite: Shafiabadi, A; Kalae, A; Pourmousavi, M. (2023). Occupational pathology of Tehran street working children: A Grand Theory Research, *Journal of Social Development and Welfare Planning*,15(54), 1-36.

آسیب‌شناسی اشتغال کودکان کار خیابانی تهران: یک پژوهش گراند تئوری

- عبدالله شفیق آبادی  استاد مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.
- اعظم کلانی*  دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
- سیده مریم پورموسوی  دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
- خانقشلاقی 

چکیده

کودکان کار، بخشی از سرمایه‌های آینده‌ساز و امیدهای کشورند که در بهترین روزهای زندگی خود مجبور به تلاش برای امرارمعاش هستند. هدف این پژوهش، شناسایی عوامل به‌وجودآورنده و گسترش‌دهنده آسیب اشتغال کودکان کار تهران و بررسی عوارض آن است. این مطالعه با رویکرد کیفی، بر اساس روش نظریه زمینه‌ای و با ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند از ۱۴ کودک کار شهر تهران بود. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها به شناسایی ۴۰ کد باز، ۷ کد محوری و کد انتخابی «کودک کار، غفلت از امید آینده‌ساز» منتهی شد. بر اساس یافته‌ها عوامل اثرگذار بر ایجاد و افزایش کودکان کار شامل عواملی مانند تمایز یافتگی ضعیف و معلولیت جسمانی، ضعف مراقبت و حمایتگری والدین از کودک، فقر و عدم حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد بود. برخی عوارض این آسیب نیز شامل تضعیف خودپنداره، فرار از منزل، سوءاستفاده‌های محیط کار و مستعد شدن زمینه بزهکاری آن‌ها شناسایی شد. بدیهی است برای انتخاب شغل مناسب افراد در مقطع مناسب از زندگی، لازم است بستر بهره‌مندی آن‌ها از آموزش، راهنمایی و مهارت‌آموزی فراهم شود. امید است با بررسی‌های عمیق‌تر ابعاد اشتغال کودکان کار، ارائه راهکارهای کارآمد و به‌کارگیری آن‌ها، مسیر رشد و شکوفایی این کودکان هموار شود و شاهد نقض حقوق انسانی هیچ کودکی در جهان نباشیم.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی، اشتغال، کودکان کار، نظریه زمینه‌ای

مقدمه

در طول تاریخ همواره کودک به علت ویژگی‌های خاص جسمی و روحی در معرض سوءاستفاده‌های گوناگونی قرار گرفته است (خداخواه، ۱۳۹۸: ۷۲). کودکان کار، بخشی از سرمایه‌های آینده‌ساز و امیدهای کشور هستند که در بهترین روزهای زندگی خود به دلیل شرایط سختی که در خانواده دارند مجبور به تلاش برای امرارمعاش هستند. اما این موضوع نباید آن‌ها را از حقوق مسلم انسانی آن‌ها که حق برخورداری از آموزش و مهارت‌های زندگی و شغلی، امنیت، بهداشت، تفریح و غیره است بازدارد. زیرا آن‌ها همانند سایر کودکان حق دارند از شرایط یک زندگی متعادل و رفتار محترمانه برخوردار باشند. امروزه کار کودک^۱ نقض حقوق او و عامل محرومیت اجتماعی‌اش به شمار می‌رود (Kazemi, 2017: 76).

مشکل کودکان کار و خیابان یکی از عمده‌ترین مسائل و معضلات مربوط به کودکان در جوامع در حال توسعه و توسعه‌یافته است (خوب‌بخت و نیکنمایی، ۱۳۹۸: ۹۳). از این رو بررسی پدیده کودکان کار از جمله مسائل اجتماعی است که در چند سال اخیر مورد توجه عده زیادی از پژوهشگران قرار گرفته است (میرحسینی و قربانی، ۱۳۹۸: ۱۱۹). کار کودک، به هر نوع کاری که توسط کودکان انجام و موجب محرومیت آن‌ها از پتانسیل و رشد شخصی می‌شود و همچنین برای سلامت جسمی و روانی آن‌ها مضر است تعریف می‌شود (سازمان بین‌المللی کار^۲، ۲۰۲۰).

بنا بر تعریف یونسف^۳، کودکان زیر ۱۸ سال که عمده وقت خود را بدون سرپرستی و نظارت بزرگسالان به مشاغل رده پایین می‌گذرانند کودکان کار خیابانی خوانده می‌شوند. آن‌ها کودکانی هستند که به دلیل ضعف اقتصادی خانواده مجبور به کارند یا کسانی که توسط سرپرست خانواده به باندهای خلاف کار فروخته می‌شوند؛ شماری از

1. Child labour

2. ILO

3. United Nations International Children's Emergency Fund

آن‌ها نیز کودکان مهاجر هستند (نعیمی حصار و همکاران، ۱۳۹۶: ۱). همچنین، کودکان کار به کودکان کارگری گفته می‌شود که به‌صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند، به‌طوری‌که این امر آن‌ها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی، بی‌بهره می‌سازد و سلامت روحی و جسمی آن‌ها را تهدید می‌کند (Edmonds, 2007: 9).

امروزه کار کودکان، ۱۶۸ میلیون کودک را در سراسر جهان درگیر می‌کند و این در حالی است که تأثیرات منفی کار کودک بر سلامت جسمانی آن‌ها به‌خوبی مستند شده است (Feeny & et al, 2021: 876). اگرچه برآورد دقیقی از تعداد این کودکان نمی‌توان ارائه داد، زیرا نه تعریف دقیقی از این مسئله در دست است و نه دولت‌ها به شکل شفافی وسعت این پدیده را در کشور خود بیان می‌کنند (خوب‌بخت و نیکنامی، ۱۳۹۸: ۹۳) اما بر اساس آمارهای موجود بیش از ۲۵۰ میلیون کودک (۱۴-۵) که معمولاً زیر سن قانونی کار می‌کنند، در کشورهای درحال توسعه هستند (پایگاه اطلاع‌رسانی مددکاران اجتماعی ایران، ۱۳۹۵).

در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان تعداد کودکان کار روندی صعودی دارد. به‌گونه‌ای که تنها در تهران، ۱۴ هزار زباله‌گرد وجود دارد که یک‌سوم آن‌ها یعنی ۴ هزار و ۷۰۰ نفر کودک هستند. علاوه بر این، وجود بیش از ۲۰ هزار نفر کودک کار در تهران تأیید شده است (قادری، ۱۳۹۸). به‌طورکلی، در پایتخت‌ها و بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه کار کردن کودکان در خیابان مشکلی جدی شده است (Thomas De Benitez, 2011: 45).

مطالعات متعدد در طی سال‌های گذشته نشان داده‌اند که وضعیت سلامت کودکان کار در هر سه بعد جسمی، روانی و اجتماعی به‌طور چشم‌گیری نامطلوب‌تر از همسالان آن‌هاست (Moradi & et al, 2014: 977). سلامت روانی کودکان کار در سال‌های آغازین عمر اغلب آسیب جدی دیده است. اعتمادبه‌نفس‌شان پایین و سطوح متفاوتی از اضطراب را تجربه می‌کنند و خشونت فیزیکی به عنوان تلخ‌ترین تجربه کودکی، تجربه

بسیاری از آن‌هاست. به طوری که بنا بر پژوهش‌ها بیش از ۷۰ درصد از کودکان کار مورد آزار جسمی والدین قرار گرفته‌اند. افزون بر این موارد، که نتیجه محرومیت و دسترسی نداشتن به حداقل‌های زندگی هستند، وجه غم‌انگیز آسیب‌های مرتبط با کودکان کار، قربانی سوءاستفاده‌های جنسی شدن آن‌ها است (Kazemi, 2017: 76). اولین گام در جهت حمایت از کودکان کار، بررسی و مطالعه علل و عوامل گسترش‌دهنده پدیده کار کودک است (شیشه‌گران و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۷۷).

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند عواملی نظیر گسترش فقر، افزایش تورم، طلاق، بالا رفتن هزینه تحصیل، بحران‌های طبیعی چند سال اخیر (نظیر سیل، زلزله و غیره) و مهاجرت کودکان کشورهای همسایه و کودکان شهرهای توسعه‌نیافته به شهرهای برخوردار، از مهم‌ترین عوامل بروز کار کودکان در ایران بوده است (قادری، ۱۳۹۸). علاوه بر این عوامل، از آنجاکه موضوع کودکان کار، موضوع نسبتاً پیچیده‌ای است؛ عوامل گوناگونی در آن اثرگذار هستند. از جمله ساختار خانواده، فقر (Oryoie, Alwang & Tideman, 2017: 46)، تغییرات اقتصادی ناگهانی ناشی از جنگ، هزینه تحصیل و نظام آموزشی نادرست و کیفیت پایین مدارس و معلمان، شوک‌های اقتصادی و غیراقتصادی که درآمد خانوارها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

لازم به ذکر است که شوک‌های منفی و مثبت لزوماً منجر به افزایش و کاهش کودک کار نمی‌گردند. ناکارآمدی و ناکارایی بازارهای مالی و اعتباری نیز بر بروز این آسیب اثرگذار است. زیرا در کشورهای توسعه یافته که بازارهای مالی و اعتباری از نقایص کمتری برخوردار هستند، خانوارهای نیازمند می‌توانند وام‌های بلندمدت دریافت کنند و با آن وام، فرزندان خود را به مدرسه بفرستند به جای آنکه به علت نیاز مالی آن‌ها را به سر کار بفرستند. این وام در نهایت توسط خود فرزندان پس از اتمام تحصیلات و ورود به بازار کار بازپرداخت می‌شود (Oryoie, Alwang & Tideman, 2018: 2).

با تأمل در پیشینه پژوهش‌های کودکان کار، درمی‌یابیم یکی از دلایل اهمیت آسیب‌شناسی در این زمینه، آسیب‌های بسیاری است که این پدیده برای کودک و جامعه با خود به همراه دارد (قادری، ۱۳۹۸). بنابراین، آسیب‌پذیری کودکان در برابر کار بسیار بالاست و بی‌توجهی و نادیده گرفتن این کودکان باعث نهادینه شدن خشمی پنهان در ناخودآگاه آن‌ها شده و در بزرگسالی باعث بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها در جامعه می‌شود. کار کودکان سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی می‌شود که کودکان را مورد استثمار قرار می‌دهند و در نتیجه فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر می‌کند و فقر و تهیدستی را افزایش می‌دهد. کودکان را از دستیابی به دانش و مهارت کافی بازمی‌دارد و در نتیجه بهره‌وری نیروی کار را در جامعه کاهش می‌دهد.

آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، بزهکاری، استثمار، تبعیض، فقر و غیره افزایش می‌یابد و در نتیجه سلامت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد و مانع پیشرفت و توسعه جامعه می‌گردد (دنکل و ویتور، ۱۳۸۷: ۶۸ به نقل از پارسی، ۱۳۹۹). با تأمل در این آسیب‌های تأسف‌بار پدیده کودکان کار، ضرورت بررسی فرایند و ابعاد پیچیده این مسئله در یک نگاه سیستمی و با در نظر گرفتن تمام جوانب فردی، خانوادگی و فرهنگی-اجتماعی آشکار می‌شود. از طرفی، درک صحیح از آسیب اشتغال کودکان کار، نه تنها به این کودکان و خانواده آن‌ها، بلکه به جامعه نیز کمک فراوانی می‌کند و ضرورت مقابله با این پدیده را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد.

از سویی نیز پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه کودکان کار اغلب با رویکرد کمی بوده است و از آنجا که ماهیت و مسئله پدیده کودکان کار، عوامل متعدد و پنهان نیز دارد؛ بنابراین ضرورت بررسی این مسئله با رویکرد کیفی وجود دارد و با توجه به ماهیت فرایندی این پدیده، روش نظریه زمینه‌ای^۱ (گراند تئوری) برای بررسی این پژوهش مناسب است. بدیهی است به‌منظور یافتن راهکارهایی جهت مداخله در این زمینه لازم است در گام نخست، با انجام پژوهش‌هایی از این دست، ابتدا این پدیده را آسیب‌شناسی کرد.

1. Grounded theory

آسیب‌شناسی، دردها و نابسامانی‌های اجتماعی، مسائل مربوط به نقش و آثار جرائم و جنایات، فقر، اعتیاد، فحشاء، خودکشی و غیره را مورد بررسی قرار می‌دهد. این علم، عوامل پیدایش و تشدید این انحرافات را بیان می‌کند (سلیمانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۴۱). بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش این است که چه فرایندهایی در ایجاد آسیب اشتغال کودک کار نقش دارد؟ عوامل و بسترهای فردی، خانوادگی و فرهنگی - اجتماعی شکل‌دهنده و اثرگذار بر این معضل چیست؟ همچنین، عوارض^۱ ناشی از این پدیده شامل چه مواردی می‌شود؟

روش‌شناسی

مسئله کودکان کار پدیده‌ای چندوجهی^۲ است و باید به فرایندهایی^۳ که موجب تبدیل یک کودک به کودک کار می‌شود توجه کرد (فولادیان، طوسی‌فر و وزیری، ۱۳۹۵: ۴۸۷) تا بتوان در وهله اول، آسیب‌شناسی و سپس راهکارهایی جهت مداخله در این زمینه ارائه داد. شناسایی فرایندهای کودک کار شدن با استفاده از رویکرد کیفی میسر است. زیرا این رویکرد کمک می‌کند بسترهای ایجادکننده مسئله شناخته شود. در این پژوهش از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای، استفاده شد. جامعه پژوهش شامل تمام کودکان کار خیابانی شهر تهران در بازه زمانی بهار و تابستان ۱۳۹۹ بود و نمونه‌ها نیز شامل کودکان کار از این جامعه بودند که معیارهای ورود به این پژوهش را داشتند.

نمونه‌گیری با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند بود و به‌طور هم‌زمان از روش گلوله برفی نیز جهت دسترسی راحت‌تر به نمونه‌های مورد نظر استفاده شد. از شیوه گلوله برفی به این صورت استفاده شد که از هر کودک کار در پایان مصاحبه درخواست شد که در صورت دسترسی، کودکان کار دیگری را که مشابه آن‌ها و حاضر به همکاری در این

۱- منظور از عوارض، همان پیامدهای منفی پدیده مورد بررسی است.

پژوهش هستند معرفی کنند. از این رو با توجه به معیارهای ورود به پژوهش، چنانچه فرد معیارهای مربوطه را داشت هماهنگی لازم جهت انجام مصاحبه با او انجام می‌شد. اغلب نمونه‌ها در مناطق تهران پارس، چهارراه سیدالشهدا (ع)، ترمینال جنوب، بازار بزرگ، اطراف سبزه میدان انتخاب شدند. اندازه نمونه‌ها بر اساس تکمیل نظری و اشباع مقوله‌های شناسایی شده بود و انتخاب نمونه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری (تا ۱۷ نفر) ادامه داشت. بر این اساس، تعداد نمونه‌ها شامل ۱۴ کودک که ۴ نفر آن‌ها دختر و ۱۰ نفر آن‌ها پسر و در بازه سنی ۷ تا ۱۴ سال بودند.

معیارهای ورود به مطالعه حاضر یکی مربوط به سن کودکان بود که سن زیر ۱۵ سال ملاک قرار گرفت. زیرا بر مبنای قانون کار با نگاه خاص به کودکان، افراد زیر ۱۵ سال تمام را ممنوع از کار تعریف کرده است (شیشه‌گران و حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷: ۴۷۸). معیار دیگر اشتغال خیابانی بود به منظور بررسی آسیب اشتغال خیابانی بر آن‌ها و در نهایت اینکه حداقل یک سال از کار آن‌ها گذشته باشد تا تجارب غنی تری در زمینه اشتغال داشته باشند. تعداد نمونه‌هایی که جهت تحلیل داده‌ها به کار رفت به میزانی بود که حداکثر محتوا را نتیجه دهد. به منظور ارتقای کیفیت و تسریع در روند انجام پژوهش و انتخاب شرکت کنندگان، سعی بر آن شد تا آن‌ها از مکان‌های متعدد انتخاب شوند. به این منظور با حضور در اماکنی مانند مترو، بازار، پارک‌ها و سر چهارراه‌ها نمونه‌ها انتخاب و با آن‌ها مصاحبه شد. ایجاد این تنوع در بافت، سبب دستیابی به اطلاعات غنی‌تر، اکتشاف در نمونه‌های متنوع و نزدیک‌تر به واقعیت جامعه، و پیشگیری از اشباع زودهنگام شده است. در این پژوهش فرایندهای به وجود آمدن کودک کار خیابانی شناسایی شد. شناسایی این فرایندها از طریق بررسی عوامل و بسترهای تعیین کننده فردی، خانوادگی و فرهنگی - اجتماعی و نحوه تأثیر آن‌ها بر آسیب اشتغال کودکان کار انجام شده است. همچنین در پایان به بررسی پیامدها و راهبردهای این مسئله اجتماعی پرداخته شد. ابزار این پژوهش، مصاحبه به صورت نیمه ساختاریافته بود. در طرح سؤالات مصاحبه تلاش شد تا ابتدا سؤالاتی کلی پرسیده شود و نوع سؤالات به صورت باز پاسخ و بدون سوگیری بود. به

این منظور پس از طراحی سؤالات، آن‌ها را جهت تأیید به استاد راهنما ارائه و اصلاحات لازم اعمال شد. مصاحبه با هر یک از نمونه‌ها، تقریباً بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه طول کشید. به عنوان نمونه برخی از سؤالات به این صورت بود که «در مورد کار خود، برایم توضیح بده؟»، «چطور شد که سراغ کار کردن آمدی؟»، «از اینکه کار می‌کنی چه احساسی داری؟»، «نظرت در مورد کاری که انجام می‌دهی چیست؟»، «اگر مجبور نمی‌شدی به کار مشغول شوی چه می‌کردی؟»، «در آینده دوست داری چه شغلی داشته باشی؟»، «درآمدت را چطور خرج می‌کنی؟» و «چه انتظاراتی از جامعه داری؟» و غیره.

لازم به ذکر است، پیش از مصاحبه، در مورد هدف پژوهش و رعایت اصل رازداری، اطلاعاتی به شرکت‌کنندگان داده شد و با کسب اجازه از آن‌ها مصاحبه‌ها ضبط شدند. پس از آن بر روی کاغذ پیاده‌سازی شدند تا آماده انجام تحلیل و کدگذاری‌ها شوند. با وجود تلاش در جهت جلب اعتماد مصاحبه‌شوندگان و اطمینان‌بخشی از اینکه مصاحبه‌ها بدون نام و مشخصات است و پس از پیاده‌سازی پاک می‌شوند؛ اما اغلب از ضبط صدا ناراضی بودند. در این موارد نکات مهم صحبت‌ها یادداشت‌برداری و بلافاصله پس از مصاحبه تکمیل می‌شدند. در فرایند مصاحبه، جهت روشن‌سازی مؤلفه‌های کلی و یا مبهم و کشف ادراک مصاحبه‌شوندگان، پژوهشگر از طریق به کار بردن سؤالات موشکافانه کوشید تا مفهوم موردنظر آن‌ها را دریابد. برای نمونه از سؤالاتی همانند «می‌شود در این مورد بیشتر توضیح دهید؟» یا «می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان کنید؟» استفاده شد.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، نتایج هر مصاحبه بلافاصله تجزیه و تحلیل شدند. این روش شامل جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده بود. کدگذاری شامل خرد کردن داده‌ها، ایجاد مفاهیم و مقوله‌ها و سپس در کنار هم قرار دادن مقوله‌های مرتبط به هم است (استراوس و کوربین، ۱۴۰۰: ۱۸۳). نخستین مرحله تحلیل یافته‌ها، کدگذاری باز است که با هدف استخراج مفهوم‌ها و مقوله‌ها از داده‌های خام انجام شد. به این صورت که فرایند خرد کردن، مقایسه کردن، مفهوم‌پردازی کردن، و مقوله‌بندی کردن داده‌ها انجام شده است.

برای انجام این نوع کدگذاری، داده‌ها به‌دقت بررسی و پدیده‌ها نام‌گذاری و مقوله‌بندی شدند. مفهومی‌ها پیوسته با یکدیگر مقایسه شدند تا مشخص شود آیا مفهوم جدید یک مفهوم متفاوت از مفهومی‌های قبلی است یا خیر. چنانچه با مفهوم قبلی مشابه بود تلفیق و در صورت متفاوت بودن به مفهومی‌های قبلی اضافه می‌شد. در مرحله بعد، کدگذاری محوری انجام شد. در این نوع کدگذاری به تمرکز کردن بر یک مقوله خاص پرداخته شد که هدف اصلی آن یافتن روابط بین مقوله‌ها بود. یعنی پژوهشگر مقوله‌های حاصل از کدگذاری باز را پالایش و تفکیک کرد و مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی‌تر مرتبط شدند.

آخرین مرحله کدگذاری، کدگذاری انتخابی است که در این فرایند در بیان دسته‌بندی‌های متعدد، یک دسته به عنوان هسته و مرکز انتخاب شده است. در رابطه با رعایت اصول اخلاقی پژوهش نیز لازم به ذکر است پیش از انجام مصاحبه، شرکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و به‌دوراز اجبار با جلب رضایت و آگاهی لازم درباره چستی و چگونگی پژوهش شرکت کردند. همچنین به افراد حق انصراف و محرمانه بودن تمام مشخصات در کل فرایند پژوهش داده شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شونده‌ها در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بازه سنی کودکان شرکت‌کننده در پژوهش ۷ تا ۱۴ سال با میانگین ۹ سال و همچنین، بازه‌های مدت کار آنها از ۱ تا ۴ سال، با میانگین ۳ سال بوده است. تمام آنها دارای تحصیلات ابتدایی بودند و ۸ نفر آنها ترک تحصیل کرده بودند. مشاغل آنها اغلب، دست‌فروشی اقلام کم‌ارزش، شیشه‌پاک کردن ماشین و یا اسفند دود کردن بود.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی کودکان کار

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	کار	مدت کار (سال)	شغل یا وضعیت والدین / سرپرست		تعداد اعضای خانواده
						پدر	مادر	
۱	دختر	۱۰	چهارم ابتدایی	فال فروش	۲	بیکار	دست فروش	۵
۲	دختر	۸	دوم ابتدایی	گل فروش	۳	معتاد	خدمتکار منزل	۷
۳	پسر	۱۱	دوم ابتدایی / ترک تحصیل	آدامس فروش	۳	کارگر	خانه دار	۴
۴	پسر	۸	دوم ابتدایی	واکسی	۱.۵	فوت شده	خانه دار	۴
۵	پسر	۹	اول ابتدایی	پاک کردن شیشه ماشین	۲	طلاق والدین	سرپرست: مادربزرگ	۳
۶	دختر	۹	دوم ابتدایی	بدلیجات فروش	۳	معتاد	معتاد	۴
۷	پسر	۷	اول ابتدایی	چسب فروش	۲	بیمار	خانه دار	۷
۸	پسر	۱۳	چهارم ابتدایی / ترک تحصیل	پاک کردن شیشه ماشین	۴	دست فروش	بیمار	۴
۹	پسر	۱۰	سوم ابتدایی	پاک کردن شیشه ماشین	۴	زندانی	دست فروش	۵
۱۰	پسر	۹	سوم ابتدایی	دستمال فروش	۲	معتاد	فوت شده	۳
۱۱	پسر	۱۰	دوم ابتدایی / ترک تحصیل	فال فروش	۱	طلاق والدین	سرپرست: مادر	۴
۱۲	پسر	۸	دوم ابتدایی	واکسی	۱	متواری	بیمار	۵
۱۳	دختر	۱۱	چهارم ابتدایی	اسفند دود کن	۴	بیکار	اسفند دود کن	۶
۱۴	پسر	۱۴	چهارم ابتدایی / ترک تحصیل	جا کارتی فروش	۲	بیمار	خانه دار	۵

یافته‌های این پژوهش در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. برخی از این مقوله‌ها با عوامل شناسایی شده در پژوهش‌های پیشین مشترک بوده و برخی دیگر نیز دستاورد این پژوهش است و در مطالعات گذشته به آن‌ها توجه چندانی نشده است. در ادامه به تفکیک، توضیح برخی یافته‌ها به همراه نمونه‌هایی از عبارات‌های مصاحبه‌شونده‌ها مطرح شده است. همچنین در پایان یافته‌ها، الگوی حاصل از این پژوهش، الگوی مفهومی آسیب اشتغال کودک کار در شکل ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۲- عوامل و عوارض آسیب اشتغال کودکان کار

کدگذاری انتخابی		کدگذاری محوری	کدگذاری باز
کودک کار، غفلت از امید آینده‌ساز	عوامل آسیب اشتغال کودکان کار	فردی	تمایز یافتگی ضعیف، معلولیت جسمانی، الگوگیری منفی، بی‌انگیزگی به تحصیل
		خانوادگی	عدم مراقبت و حمایتگری والدین از کودک، بیکاری والدین، طلاق والدین، اعتیاد، بیماری والدین یا اعضای خانواده، فقر فرهنگی خانواده، رفتارهای تخریب‌گرایانه (تنبیه، تحقیر و سرزنش)
		فرهنگی - اجتماعی	عدم حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد، فقر، کمک کودک به معیشت خانواده، فقدان برنامه‌ریزی و نظارت نهادهای ذی‌ربط، مهاجرت، کاهش حمایت از تولید ملی
		مداخله‌گر	بی‌سوادی والدین، گران شدن کالاهای اساسی، محل سکونت، حاشیه‌نشینی
	عوارض آسیب اشتغال کودکان کار	فردی	عدم رضایت از زندگی، عدم شادکامی، احساس درماندگی و خستگی، احساس تنهایی، تضعیف خودپنداره، احساس عدم حمایت و امنیت، ترک تحصیل، آسیب جسمی، از دست دادن آینده شغلی
		خانوادگی	فرار از منزل، جایجایی نقش‌ها، احساس عدم پذیرش در خانواده
		فرهنگی - اجتماعی	نارضایتی مردم (مزاحمت، سد معبر، آلام روحی)، شرایط نامطلوب کاری، سوءاستفاده‌های محیط کار، طردشدگی اجتماعی، ترحم افراد جامعه، مستعد شدن زمینه بزهکاری

۱- عوامل آسیب اشتغال کودکان کار

۱-۱- عوامل فردی

تحلیل داده‌ها نشان داد عواملی مانند تمایز یافتگی ضعیف، معلولیت جسمانی، الگو گیری منفی و بی‌انگیزگی به تحصیل در اشتغال کودکان نقش دارد. برای نمونه، حفظ موضع «من» در برخی از کودکان ضعیف بود و به نظر می‌رسید تصمیم‌گیری برای اشتغال بنا بر خواسته و تمایل آن‌ها نبود و اهمیتی به تصمیم بر پایه عقل و تفکیک آن از احساس خود نمی‌دادند. به‌ویژه وقتی به نظر می‌رسید اجباری از سوی خانواده برای کار کردن آن‌ها نیست اما تنها به دلیل جلب رضایت والدین به سمت کار روی آورده بودند. یکی از یافته‌های جدید در زمینه عوامل فردی کار کودکان، معلولیت آن‌ها بود. همچنین، در مواردی کودکان تحت تأثیر اعضای خانواده یا اقوام خود در تبعیت از الگوی فکری و رفتاری آن‌ها و یا به دلیل افت انگیزه نسبت به تحصیل، به اشتغال روی آورده بودند.

تمایز یافتگی ضعیف:

- خودم دوست ندارم کار کنم اما مامان و بابام اینطوری خوشحال میشند ازم (کد ۱۰).

معلولیت جسمانی:

- مادرزادی اینجوری‌ام. ۲ ساله کار می‌کنم. بخاطر وضع بیشتر مردم دلشون برام می‌سوزه و کمکم می‌کنند. منم پولمو میدم به بابام چون خیلی کارش درآمد نداره. خواهر و برادرام که سالم هستند کار نمی‌کنند. چون من بدرد دیگه‌ای نمی‌خورم (کد ۶).

الگو گیری منفی:

- اولش امتحانی با دو تا از دوستانم رفتم دست‌فروشی بعد خودم هم شروع کردم. داییم هم که توی مترو کار می‌کنه اونم بهم گفت درستو بذار کنار بیا فروشنده‌گی؛ دستت توی جیب خودت باشه (کد ۳).

- توی فامیل ما بیشترشون بچه‌هاشون کار می‌کنند. این یه چیزیه که منم یاد گرفتم (کد ۸).

بی‌انگیزگی به تحصیل:

- حوصله درس خواندن نداشتم. مدرسه به درد من نمی‌خورد. این همه درس خوانده

بیکار داریم. درس بخونم چی بشه؟! (کد ۵)

۱-۲- عوامل خانوادگی

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که خانواده در شکل‌گیری این پدیده نقش مهمی دارد. عوامل درون خانواده مانند ضعف مراقبت و حمایتگری والدین از کودک، رفتارهای تخریب‌گرایانه (تنبیه، تحقیر و سرزنش)، بیکاری والدین، طلاق والدین، اعتیاد، بیماری والدین یا اعضای خانواده و فقر فرهنگی خانواده بر این پدیده اثرگذار بود. در توضیح فقر فرهنگی، برای بعضی گروه‌ها مانند ایرانی‌های کولی، کار کودکان به‌ویژه دختران، یک سنت و روش زندگی است. درحالی‌که بسیاری از مردان در سنین جوانی از کار کناره می‌گیرند، درآمد خانواده عمدتاً از کار زنان و بچه‌ها تأمین می‌شود. همچنین بسیاری از خانواده‌های کولی، برای کسب درآمد به دلیل نداشتن شناسنامه، با مشکل‌های حقوقی مواجه‌اند.

دختران و پسران کولی در سنین پایین ازدواج می‌کنند و خانواده‌های پرجمعیتی دارند. خوب کار کردن دختران، امتیازی برای ازدواج آنها محسوب می‌شود و سنت کار کردن کودکان، محرکی برای داشتن فرزندان متعدد و کسب درآمد بیشتر است (وامقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۳). از این رو، لازم است بر محیط‌هایی که این کودکان در آن رشد می‌یابند به‌ویژه محیط‌های خانوادگی آنها و بر تعامل والدین و کودکان که احتمالاً حاکی از غفلت، توهین و بی‌توجهی به کودک است، توجه شود.

ضعف مراقبت و حمایتگری والدین:

- من مجبورم کار کنم و گرنه آگه یه روز بخوابم و نیام هم بابام کتکم میزنه هم مامانم

غرغر می‌کنه که برو یه پولی دربیار خونه نمون (کد ۱۲).

طلاق والدین:

- مامان و بابام همیشه جنگ داشتند. مامانم کتک زیاد می‌خورد از بابام. ۳ سال پیش جدا شدند. من و آبیچیم با مادر بزرگم زندگی می‌کنیم. اون وضعش خوب نیست. مامانم جوراب می‌فروشه تو مترو. آبیچیم هنوز کوچیکه. پیش مادر بزرگم می‌مونه. بزرگ بشه دوست ندارم اون کار کنه. خوب چون کار سخته. خسته میشه (کد ۱۳).

اعتیاد:

- پدرم مواد مصرف می‌کنه. مادرم هم کارای مردم رو انجام میده. اونا همش با هم دعوا می‌کنند. من دوست ندارم کار کنم اما مجبورم. آرزومه درسمو بخونم و یه آدم درست و حسابی بشم (کد ۴).

- هم از کارم راضی‌ام. هم نه. از اینکه میتونم پول در بیارم خیلی خوبه اما از اینکه مجبورم همشو بدم به بابام تا مواد بکشه نه (کد ۹).

بیماری والدین یا اعضای خانواده:

- آرزومه مادرم حالش خوب بشه و دوباره مثل روز اولش بشه. هم من هم داداش بزرگم کار می‌کنیم خرج دوا و دکتر مادرمو دربیاریم (کد ۱۴).

فقر فرهنگی خانواده:

- ما طایفه‌ای هممون کار می‌کنیم. این کار رو بد نمی‌دونیم. مامانم و زن داداشم هم مثل من اسفند دود می‌کنند. اونا یه جای دیگه بازار کار می‌کنند. منم اینجا. هر منطقه‌ای مخصوص یکیه. حتی بعضیا که چند روز نمایاند منطقه خودشونو (محل ثابت کاسپی خود در خیابان) می‌فروشند (کد ۱۳).

رفتارهای تخریب‌گرایانه:

- دوست نداشتم نون خور اضافه باشم! بابام همیشه بهم میگه نون خور اضافه. دست بزن هم داره بیشتر وقتایی که نیام کار کنم میزنه نه همیشه. یه بار با ته سیگارش روی دستم زد. این جاشه... (کد ۱۴)

تحلیل داده‌ها حاکی از اهمیت نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی مانند عدم حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد، فقر، کمک کودک به معیشت خانواده، فقدان برنامه‌ریزی و نظارت نهادهای ذی‌ربط، مهاجرت و کاهش حمایت از تولید ملی نیز به عنوان عوامل ایجاد و یا گسترش آسیب کودک کار بود. بسیاری از کودکان کار درگیر فقر خانواده‌هایشان هستند و علیرغم میل باطنی ناچارند قربانی این اوضاع شوند. اگرچه برخی خانواده‌ها با قصد سودجویی و زیاده‌طلبی، کودکان را به اجبار به کار وامی‌دارند که باید از نظر قانونی در این خصوص مداخله جدی شود.

فقر:

- اجاره خونه هست. داروهای بابام. با خیلی چیزا. آگه شما هم جای من بودید کار می‌کردید (کد ۵).

کاهش حمایت از تولید ملی:

- از وقتی کارخونشون کارگراشو اخراج کرد اینطور شد. آگه کارخونه جمع نمی‌شد بابام بیکار نمی‌شد. وضعمون خیلی خوب نبود اما بهتر از این بود. اون موقع که توی کارخونه کار می‌کرد بابام، من کار نمی‌کردم. الان بابام بیشتر عصبیه. چون بیکاره (کد ۳).
مهاجرت:

- قبلاً که تهران نیومده بودیم فقط بابام کار می‌کرد اما اینجا منم مجبورم کمک خرج

باشم (کد ۸).

۲- عوارض آسیب اشتغال کودکان کار

عوارض شناسایی شده پیرامون پدیده کودک کار شامل عوارض فردی، خانوادگی و فرهنگی-اجتماعی است. عوارض فردی مواردی مانند عدم رضایت از زندگی، عدم شادکامی، احساس درماندگی، احساس خستگی، احساس تنهایی، تضعیف خودپنداره، احساس عدم حمایت و امنیت، ترک تحصیل، آسیب جسمی و از دست دادن آینده شغلی را در بر گرفت. همچنین، کدهای مربوط به عوارض خانوادگی عبارت از فرار از منزل،

جابجایی نقش‌ها و احساس عدم پذیرش در خانواده بود. نارضایتی مردم (مزاحمت، سد معبر، آلام روحی)، شرایط نامطلوب کاری، سوءاستفاده‌های محیط کار، طردشدگی اجتماعی، ترحم افراد جامعه و مستعد شدن زمینه بزهکاری از جمله موارد شناسایی شده مربوط به عوارض فرهنگی-اجتماعی کار کودک بود. در زیر به تفکیک، به مصادیقی از این موارد اشاره می‌شود.

۲-۱- عوارض فردی

احساس خستگی:

- از ۹ صبح تا دم غروب کار می‌کنم. خیلی خسته میشم. بیشتر وقتها می‌رسم خونه می‌فتم، خوابم میره (کد ۸).

احساس تنهایی:

- خیلی وقتها با دوستانم با هم کار می‌کنیم که احساس نکنم تنهام. فقط من نیستم که کار می‌کنم. خیلی بچه‌ها الان کار می‌کنند دیگه (کد ۱۱).

تضعیف خودپنداره:

- خیلی دوستانم که می‌فهمیدند من کار می‌کنم دیگه محکم نمی‌داشتند. انگار من خلاف کردم. از خودم بدم می‌آید. کاش مجبور نبودم کار کنم. دوست دارم همیشه بازی کنم (کد ۱۴).

- بعضیا که اول خیلی صمیمی بودیم جاشون رو سر کلاس عوض می‌کردند یا جواب سؤالام رو نمی‌دادند چون خودشون کار نمی‌کردند و پولشون بیشتر بود. اونا مجبور نیستند مثل ما کار کنند. برای همین نمی‌فهمند ما مجبوریم (کد ۷).

احساس عدم حمایت و امنیت:

- به موقع‌هایی خیلی دلم می‌گیره. فکر می‌کنم کاش اصلاً دنیا نیومده بودم. من برای هیچکی مهم نیستم. بیشتر اون موقع‌ها که خوب فروش نکردم هم ناراحت می‌شم (کد ۱۲).

ترک تحصیل:

- نصف روز درس می‌خونم و نصف روز کار می‌کنم. آگه مجبور نبودم کار نمی‌کردم. بابام مریضه. به من احتیاج داره که کار کنم. فکر می‌کنید دوست دارم به ماشینا التماس کنم که بذارند شیشه‌هاشونو تمیز کنم؟ قبلاً مترو کار می‌کردم ولی سر چهارراه‌ها بهتر پول درمیارم.

- خیلی از درسم عقب موندم. دیگه نمی‌فهمیدم درسامو چون بیشتر سر کار بودم شب هم خسته می‌شدم نمی‌شد بخونم. آگه درسمو می‌خوندم شاید برای خودم کسی می‌شدم بعداً... (کد ۸).

- درس و مدرسه رو دوست داشتم ولی به قول مامانم درس نون و آب نمی‌شه. برای همین دیگه نرفتم (کد ۷).

آسیب جسمی:

- آرزومه یه روزی مغازه اجاره کنم که هی این بار رو این ور و اونور نکشم. بعضی وقتا پشت کمر و گردنم از درد می‌ترکه. می‌سوزه (کد ۱۴).

از دست دادن آینده شغلی:

- یه چیزی که ناراحتم می‌کنه آینه که تا کلاس چهارم بیشتر نخوندم. خیلی زندگیمون سخت شده. کارمو طولانی کردم تا پول بیشتر دربیارم ولی درس و مشقمو ول کردم. بعضی وقتا به خودم میگم تا کی باید دست‌فروشی کنم. من آرزومه یه روز خلبان بشم. آگه زندگیمون یه جوریه بشه که نصف روز کار کنم نصفش درس. خوب حتماً دوباره درسو شروع می‌کنم (کد ۱۲).

- خوب یه بدی کار آینه که باعث می‌شه درسامو نخونم بعدش نتونم دکتر بشم (کد ۸).

۲-۲- عوارض خانوادگی

فرار از منزل:

- چند بار از خونه فرار کردم ولی دوباره برگشتم. از دست داداش بزرگم فرار می‌کردم. اون معتاده. همه پولام رو می‌گرفت. دوست داشتم پولامو جمع می‌کردم باهاش یه گوشیه می‌خریدم. حتی شب عید لباس نو نخریدم (کد ۷).

احساس عدم پذیرش در خانواده:

- مجبوریم کار کنیم. خونواده، ما رو آدم حساب نمی‌کنه که، از صبح تا شب کار می‌کنیم. آگه دوستمون داشتند مثل همه بچه‌ها فقط بازی می‌کردیم (کد ۲).
جایجایی نقش‌ها:

- از بچگی من و مامانم کار می‌کنیم. بابام تو خونه بیکاره. دیگه عادت کردیم، آگه بابام کار می‌کرد شاید درس می‌خوندم یا شایدم بازی می‌کردم... (کد ۱۳).

۲-۳- عوارض فرهنگی - اجتماعی

شرایط نامطلوب کاری:

- وضعیت کار برای ما که دختریم سخت‌تره. کلاً شرایط خوبی نداریم. از صاحب‌کار کثیف بگیرید تا خستگی و فشار کار (کد ۱۲).
سوءاستفاده‌های محیط کار:

۸- سالم بود مامانم مُرد. یه مدت با بابام توی بازار با گاری دستی کار کردیم. چند وقت هم شاگرد یه مغازه بودم اما صابکارم آدم خوبی نبود. اونجا امنیت نداشتیم. الان جنسای یه مغازه رو میارم اینجا می‌فروشم. بد نیست پول کمتری در میارم ولی راضی‌ترم (کد ۱۰).

- من راضی نیستم. چون برای دخترا خوب نیست کار کنند. خوب چون بعضی دوستام را پسر اذیت کردند. یا پولاً و جنساشونو می‌گیرند یا خفت می‌کنند من تاریک بشه نمی‌مونم. میرم خونه (کد ۱).
طردشدگی اجتماعی:

- ای کاش مردم، ما را هم آدم می‌دیدند. من خیلی رفتاراشونو که انگار ما دزد هستیم و ولگرد دوست ندارم (کد ۵).

ترحم افراد جامعه:

هیچکی به ماها احترام نمی‌ذاره. بعضیا هم که کمکمون می‌کنند مال آینه که دلشون برامون می‌سوزه نه اینکه ما رو دوست داشته باشند. من اینو می‌فهمم (کد ۹).
مستعد شدن زمینه بزهکاری:

- آدم توی کار باید محکم باشه. بستگی داره به آدمش. خیلیا مثلاً اولش به بهونه کار اومدن ولی بعدش به راه‌های بد کشیده شدن. مونده به آدمش... (کد ۶).

۳- عوامل مداخله‌گر

عوامل مداخله‌گر شناسایی شده در این مطالعه عبارت از بی‌سوادی والدین، گران شدن کالاهای اساسی، حاشیه‌نشینی و محل سکونت بود.

گران شدن کالاهای اساسی:

- الان همه چی گرون شده خاله. واجبه که ما بچه‌ها هم کار کنیم. من کمک خرج

خانوادم هستم (کد ۱۴).

بی‌سوادی والدین:

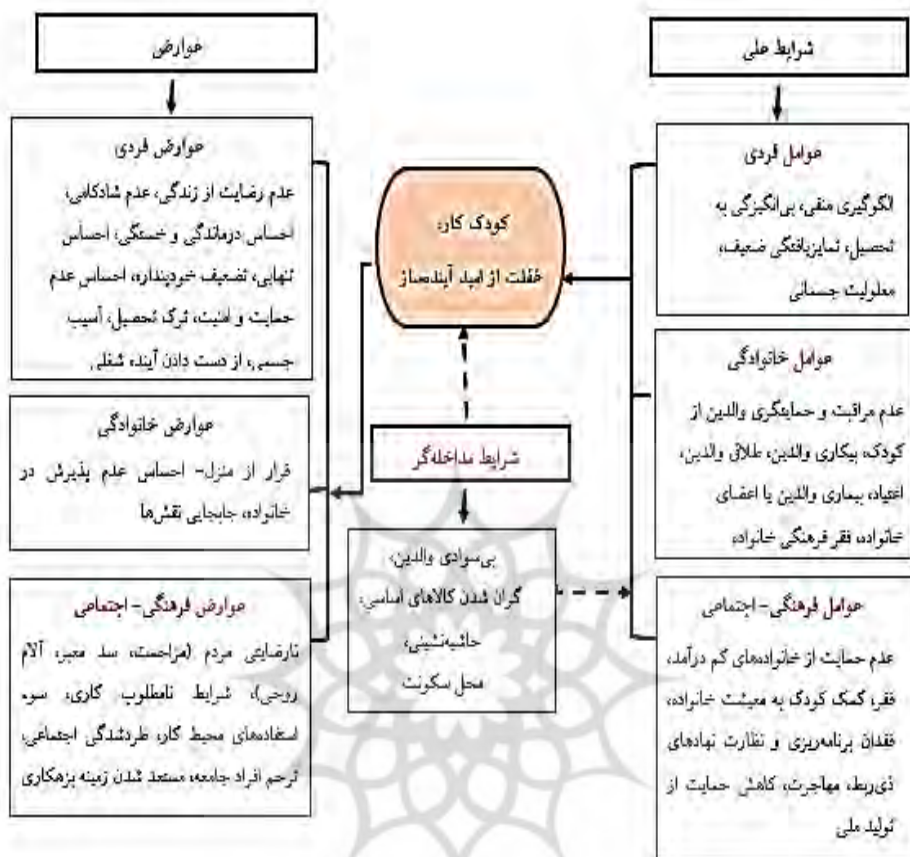
- فکر می‌کنم آگه بابا و مامانم درس خونده بودن آینه ما اینطور نمی‌شد که بخوایم

توی بچگی این همه کار کنیم. خوب اونجوری کار بهتری داشتند و پولشون بس بود (کد

۳).

محل سکونت:

- جایی که ما زندگی می‌کنیم اونجا خیلی از بچه‌ها کار می‌کنند (کد ۸).



شکل ۱- الگوی مفهومی آسیب اشتغال کودک کار

بحث و نتیجه‌گیری

کودکی دوره مهمی است که در مسیر آن کودک باید از شرایط مطلوب برای رشد و پرورش استعدادها و عواطف خود بهره‌مند باشد (Kazemi, 2017: 76). اما امروزه بسیاری از کودکان در شرایطی کار می‌کنند که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند و از این رو کار کودکان از آسیب‌های اجتماعی مهم در جهان محسوب می‌شود (خداخواه، ۱۳۹۸: ۸۷). پژوهش حاضر به شناسایی عوامل به وجودآورنده و گسترش‌دهنده آسیب اشتغال کودکان

کار تهران و بررسی عوارض آن پرداخت. یافته‌های حاصل عبارت از عوامل فردی (تمایز یافتگی ضعیف، معلولیت جسمانی، الگوگیری منفی و بی‌انگیزگی به تحصیل)؛ عوامل خانوادگی (ضعف مراقبت و حمایتگری والدین از کودک، بیکاری والدین، طلاق والدین، اعتیاد، بیماری والدین یا اعضای خانواده، فقر فرهنگی خانواده)؛ عوامل فرهنگی-اجتماعی (عدم حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد، فقر، کمک کودک به معیشت خانواده، فقدان برنامه‌ریزی و نظارت نهادهای ذی‌ربط، مهاجرت، کاهش حمایت از تولید ملی) و همچنین عوارض فردی (عدم رضایت از زندگی، عدم شادکامی، احساس درماندگی و خستگی، احساس تنهایی، تضعیف خودپنداره، احساس عدم حمایت و امنیت، ترک تحصیل، آسیب جسمی، از دست دادن آینده شغلی)، عوارض خانوادگی (فرار از منزل، احساس عدم پذیرش در خانواده، جابجایی نقش‌ها) و عوارض فرهنگی-اجتماعی (نارضایتی مردم (مزاحمت، سد معبر، آلام روحی)، شرایط نامطلوب کاری، سوءاستفاده‌های محیط کار، طردشدگی اجتماعی، ترحم افراد جامعه، مستعد شدن زمینه بزهکاری) بود. بی‌سوادی والدین، گران شدن کالاهای اساسی، محل سکونت و حاشیه‌نشینی نیز در ارتباط با عوامل مداخله‌گر شناسایی شدند.

پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه از جمله (جلیلی مؤید و همکاران، ۲۰۲۱؛ Pinzon - Oryioe, Alwang, & Tideman, 2017: 67 Rondon, 2010, Audu et al, 2009 محمود نژاد و همکاران، ۱۳۹۷؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۷۹) همسویی با یافته‌های مربوط به عوامل خانوادگی را نشان می‌دهد. برای نمونه، در پژوهش جلیلی مؤید و همکاران (۷:۲۰۲۱) زندگی به تنهایی یا با یکی از والدین به عنوان یک عامل خطر که کودک را در معرض احتمال بیشتر بدرفتاری قرار می‌دهد شناسایی شد. این یافته با ادبیات موجود مطابقت دارد که نشان می‌دهد کودکان کاری که والدین مطلقه دارند یا با مادرانشان زندگی می‌کنند بیشتر قربانی سوءاستفاده می‌شوند.

در این زمینه پیشینه پژوهشی حاکی از این است که کار کردن کودک بیرون از خانه و در محیط‌هایی مانند خیابان، صنعت و بخش خدمات ممکن است خطرناک باشد زیرا

بدون حضور خانواده و بزرگسالان غیر آشنا ممکن است به راحتی از آن‌ها سوءاستفاده کنند (Pinzon-Rondon, 2010: 165 & et al, 2010). همسو با یافته‌های این مطالعه، در کنار محرومیت از تحصیل و تفریح، کار کودک بیشتر از پسرها، دختران را در معرض خطر قربانی آزار جنسی قرار می‌دهد (Helton et al, 2020: 90; Bradbury-Jones, 2020: 78). باوجود اینکه برخی پژوهش‌ها، فقر خانواده را عامل اصلی خیابانی شدن کودکان می‌دانند، مطالعات دیگر نابسامانی‌های درون خانواده را علت اصلی خروج کودک از خانه و خیابانی شدن وی معرفی می‌کنند وامقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۱؛ کرمانیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۲).

مطالعه جلیلی مؤید و همکاران (۲۰۲۱: ۶) با هدف تعیین میزان شیوع آزارهای تجربه‌شده در محیط‌های کاری و شناسایی عوامل خطرناک و حفاظتی احتمالی برای چنین آزاری در بین کودکان کار در شهر تهران انجام شد که تعداد قابل توجهی از آن‌ها حداقل یک نوع بدرفتاری همراه با سوء استفاده عاطفی و بی‌توجهی را به عنوان شایع‌ترین موارد گزارش شده تجربه کردند. محیط کار ناسالم بخشی جدایی‌ناپذیر از کار کودکان بوده است. افزون بر این موارد، پژوهش خانجانی و همکاران (۲۰۱۳: ۱۴۰۰) نشان داد که روش‌های تربیتی ناسالم والدین، برخورد غیر یکسان والدین با کودکان و تبعیض میان آن‌ها، طلاق یا جدایی والدین، اختلافات خانوادگی شدید، اختلاف بین والدین، نداشتن مهارت‌های فرزندپروری و عدم برقراری ارتباط صمیمی و سالم والد-کودک، بدرفتاری یا غفلت از کودک، برخی ویژگی‌ها و رفتار والدین همچون کمال‌گرایی، انتقادگری، سرزنش‌گری، کنترل‌گری بیش از حد، عدم توانایی کودک در برقرار ارتباط با همسالان و غیره می‌توانند در بروز اختلال افسردگی در کودکان کار همچون سایر کودکان نقش داشته باشند. از سویی، در کنار عوامل فردی، چنانچه والدین این کودکان، مصرف‌کننده مواد باشند هزینه تهیه مواد بر عهده کودکان بزرگ‌تر گذاشته شده است و آن‌ها مجبور به انجام کار بیش از حد توان‌شان هستند.

همسو با یافته‌های مربوط به عوامل فرهنگی-اجتماعی، پژوهش‌های (Feeny & et al,)

114: Ahmed & Ray, 2014; 364: Hughes et al, 2017; 877: 2021) حاکی از این

است که کار کودک احتمالاً دارای علائم فقر است، به همراه تأثیرات مخرب بالقوه که اغلب تا بزرگسالی استمرار دارد. مطالعه مقدس جعفری و همکاران (۱۳۹۲: ۶۹) بیانگر این است که متغیرهای فقر اقتصادی و فرهنگی، بی‌سوادی والدین، ضعف برنامه‌های حمایتی در ایجاد و گسترش پدیده کار کودکان نقش دارد. البته رابطه فقر و کار کودک به‌سادگی قابل تبیین نیست اما مطالعات اخیر نشان می‌دهند که احتمال اینکه خانواده‌ها، کودکان را به‌جای مدرسه به سرکار بفرستند با افزایش ثروت خانواده، کاهش می‌یابد. (Oryioe, Alwang, & Tideman, 2017: 45) از طرفی، خانواده‌های مهاجرنشین به دلیل غریبی فاقد هر گونه حمایتی از سوی محیط و اطرافیان هستند و کودکان این خانواده‌ها بیشتر از سایرین در معرض آسیب قرار می‌گیرند (خانجانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۴).

از سویی، کودکان کار عمدتاً به دلایل اقتصادی، بیشترین وقت خود را در محیط‌های ناامن و پرمخاطره خیابان می‌گذرانند. بسیاری از پژوهش‌ها در کشورهای مختلف جهان، کودکان خیابانی را محصول شرایط اقتصادی - اجتماعی نامطلوب خانواده‌ها دانسته‌اند (فرگوسن، ۲۰۰۵؛ وامقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۱). از دیدگاه بوم‌شناسی اجتماعی، کودکان کار انعکاسی از شرایط زیست - اجتماعی - فرهنگی اقشار تهی‌دست و آسیب‌پذیر حاشیه‌نشین است که نتوانسته‌اند در جریان مواجهه با تحولات اجتماعی اخیر در ایران، با شرایط موجود انطباق یابند. (حسینی، ۱۳۸۴).

همسو با عوارض استخراج‌شده در زمینه فردی، (Feeny & et al, 2021: 893-883) نشان دادند بسیاری از کودکان کار درگیر کارهایی هستند که مانع از تحصیلات می‌شود و شرایط خطرناکی را ایجاد می‌کنند. بعلاوه به طور متوسط، کودکان کار، شادکامی و بهزیستی عاطفی کمتری را تجربه می‌کنند. در راستای این یافته‌ها، می‌توان به تأثیرات مخرب کار کودک شامل سطوح پایین‌تر آموزش از طریق حضور و تحصیل ضعیف‌تر در مدرسه و سطح پایین‌تر سلامت جسمانی که گاهی اوقات از طریق قرار گرفتن در معرض آسیب‌های جسمی است اشاره داشت (Ahmed & Ray, 2014: 112; Hughes et al, 2017: 364).

آرانسیولا و جاستوس^۱ (۲۰۱۸) در پژوهش روی نمونه‌ای از افراد در سن کار (۱۶ سال و بالاتر) در برزیل، نشان دادند بزرگسالانی که در سنین ۱۰ تا ۱۴ سالگی شروع به کار کرده‌اند، نسبت به افرادی که در سنین بالاتر شروع به کار کرده‌اند، بیشتر به افسردگی مبتلا می‌شوند. کرمانیان و همکاران (۹:۱۴۰۰) نیز گزارش دادند که کودکان کار در مقایسه با کودکان عادی در خودکارآمدی و ابعاد آن (تحصیلی، اجتماعی و عاطفی) نمره پایین‌تری داشته‌اند. این کودکان از نظر ضعف جسمانی و روانی بیش از دیگر افراد و حتی کودکان عادی در معرض آسیب‌دیدگی قرار می‌گیرند (Goldhagen & et al, 2020: 4).

در مطالعه خداخواه (۷۲:۱۳۹۸) گزارش شد که کودکان کار به دلیل شرایط خاص زندگی خود مجبور به کار کردن هستند و همین امر منجر به ایجاد تغییرات منفی در خودپنداره آن‌ها نسبت به سایر همسالان خود می‌شود. یکی دیگر از عوارض فردی تأثیرگذار بر کیفیت زندگی کودکان کار، احساس تنهایی است که این یافته پژوهش جاری با پژوهش ایمان زاده و علیپور (۲۹۸:۱۳۹۸) همسو است.

جابجایی نقش‌ها و احساس عدم پذیرش در خانواده از جمله عوارض خانوادگی شناسایی‌شده در پدیده کودک کار بود که در پژوهش‌های پیشین توجه چندانی به آن‌ها نشده است. همچنین، یکی دیگر از عوارض خانوادگی این پدیده فرار از خانه معرفی شد. سابقه فرار از خانه به دلیل مشکلات و مسئولیت‌های بالا در فرزندان وجود دارد که خود عامل زمینه‌ساز بروز افسردگی در آن‌ها نیز است. این یافته‌ها همسو با پژوهش‌های (صالحی و انتصار مؤمنی، ۱۳۹۱: ۵۸؛ یوسفی و همکاران، ۵۲:۱۳۷۹) است.

در اهمیت توجه به آسیب تضعیف خودپنداره در بحث اشتغال کودکان کار می‌توان به یکی از مفاهیم مهم، خودپنداره فرد، در انتخاب شغل بر پایه الگوی چندمحوری شفیع‌آبادی اشاره داشت. خودپنداره، تا حد زیادی تعیین‌کننده چگونگی رفتار است و قضاوتی است که فرد در مورد موفقیت یا شکست، ارزش و توانایی‌ها و ضعف‌ها، اهمیت و اعتباریابی خود دارد. قضاوت در مورد خود نه تنها در انتخاب شغل بلکه در تعیین رفتار و

گذراندن زندگی نیز مؤثر است. فرد در مسیر انتخاب شغل به خود می‌گوید: «چنین فردی هستم، پس باید به انجام چنین شغلی بپردازم.» (شفیع آبادی، ۱۳۹۴: ۴۵۱).

در تبیین این یافته می‌توان گفت وقتی کودکان در سنین پایین شروع به کار و فعالیت می‌کنند، به دلیل اینکه هنوز از نظر جسمانی و روانی تجربه کافی نداشته و ضعیف هستند با ناکامی‌های متعددی در زندگی اجتماعی روبه‌رو می‌شوند و همین امر می‌تواند با تخریب احساس خودکارآمدی فرد و پایین آمدن اعتماد به نفس، در وی همراه شود و به این ترتیب از نظر روانی تخریب شده و مستعد ابتلا به انواع مشکلات روانی و اجتماعی شود (کرمانیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۵).

در توضیح عامل تمایز یافتگی ضعیف می‌توان گفت، حفظ موضع «من» در برخی از کودکان ضعیف بود و به نظر می‌رسید تصمیم‌گیری برای اشتغال بنا بر خواسته و تمایل آن‌ها نبود و اهمیتی به تصمیم بر پایه عقل و تفکیک آن از احساس خود نمی‌دادند. به‌ویژه وقتی به نظر می‌رسید اجباری از سوی خانواده برای کار کردن آن‌ها نیست اما تنها به دلیل جلب رضایت والدین به سمت کار روی آورده بودند. یکی از یافته‌های جدید در زمینه عوامل فردی اشتغال کار کودکان، معلولیت آن‌ها بود. در حالی که معلول، همان نیازهای انسان عادی را دارد و اگر آموزش مناسب را ببیند می‌تواند شغل مناسبی را که برای خود و جامعه سودمند باشد انتخاب کند (شفیع آبادی، ۱۳۹۶: ۲).

در تبیین بی‌انگیزگی به تحصیل می‌توان گفت تعداد قابل توجهی از کودکان با به دنیا آمدن در خانواده‌هایی که عملکرد مختل دارند، فرصت آن‌ها برای داشتن یک رشد سالم کم می‌شود. افزون بر این، مهم‌ترین بخش زندگی، یعنی کودکی در خانواده می‌گذرد و وجود کشمکش، تعارضات، خشونت‌های خانوادگی، فقر و اعتیاد در خانواده موجب افزایش ترس و اضطراب در کودکان می‌شود از سویی، بعضی از خانواده‌هایی که در منطقه‌ای با کیفیت پایین آموزش زندگی می‌کنند به این مسئله فکر می‌کنند که به علت کیفیت پایین آموزش، فرزند آن‌ها در آینده توانایی رقابت با کودکان دیگر را که در مدارس با کیفیت درس می‌خوانند ندارد، در نتیجه امکان جبران هزینه‌های تحصیل کودک

در آینده وجود ندارد. بنابراین، تصور می‌کنند تحصیل کودک صرفاً اتلاف عمر کودک و منابع مالی خانواده است. در چنین شرایطی خانواده تصمیم می‌گیرد کودک خود را سرکار بفرستد (2: Oroyie, Alwang & Tideman, 2018). که این عوامل، می‌تواند موجب بی‌انگیزگی کودک به تحصیل و سوق دادن او به سمت ترک تحصیل شود.

در تبیین مستعد شدن زمینه بزهکاری در کودکان کار می‌توان به مدل رفتاری اشاره داشت. با توجه به اینکه آسیب در کنار عوامل موقعیتی و بروز و مشاهده خشونت در کودکان همراه می‌شود؛ سپس از طریق یادگیری ابزاری، واکنش خشن و مشکلات رفتاری تولید می‌شود و فرد الگوی مشکلات رفتاری و خلقی را بروز می‌دهد (خانجانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۰). از طرفی، وقتی کودکان در سنین زیر ۱۸ سال وارد بازار کار می‌شوند، در معرض آسیب‌های متعدد رفتاری و جسمانی مانند پرخاشگری، آزارگری و تعرض جنسی، ضرب و شتم، تحقیر و تهدید، خستگی شدید جسمانی و بعضاً سوء تغذیه و اختلال‌های خواب قرار گرفته و احتمال گرایش آن‌ها به سوء مصرف مواد مخدر، دزدی و انواع بزهکاری افزایش می‌یابد (Yohn, Galbraith, 2131: 2019).

همچنین، از آنجا که کودکان کار دائماً در معرض بزهکاری قرار می‌گیرند و وسایل و پول آن‌ها از سوی اطرافیان و یا کودکان بزرگ‌تر سرقت می‌شود رفتارهای پرخاشگرانه نیز در آن‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. این کودکان گاهی به دلیل شرایط سخت زندگی و کار، تصمیم به فرار از منزل می‌گیرند و به دلیل نداشتن حامی و سرپناه، از سوی افراد دیگر مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند که این عوامل می‌تواند در مستعد شدن زمینه بزهکاری نیز در آن‌ها نقش داشته باشد. بنابراین، فرار از منزل نیز به عنوان یکی از عوارض خانوادگی شناسایی شده در آسیب اشتغال کودکان کار بود.

در مجموع می‌توان گفت مسئله کودکان کار، پدیده‌ای چندوجهی است و باید به فرایندهایی که موجب تبدیل یک کودک به کودک کار می‌شود توجه کرد (فولادیان، طوسی فر و وزیری، ۱۳۹۵: ۴۸۷) تا بتوان در وهله اول، آسیب‌شناسی و سپس راهکارهایی جهت مداخله در این زمینه ارائه داد. الگوی تدوین شده (شکل ۱) به چندوجهی بودن

پدیده کودک کار اشاره دارد و آن را از منظر سیستمی مورد شناسایی قرار داده است. ارتباط میان عوامل، عوارض و عوامل مداخله‌گر گویای عمق و گستردگی این آسیب است. با توجه به یافته‌ها و بررسی پیشینه‌ها، مقوله انتخابی که می‌توانست ابعاد آشکارشده را در برگیرد عبارت از «کودک کار، غفلت از امید آینده‌ساز» بود.

در تشریح بیشتر انتخاب این مقوله می‌توان اشاره داشت که کار کودکان می‌تواند نشانی از «فقر جاری» و یکی از عوامل پدیدآورنده «فقر آتی» باشد. این پدیده، استمرار سیکل بسته فقر در خانواده محسوب می‌شود؛ زیرا با تغییر مسیر زندگی کودک از مدرسه به محل کار، زمینه خروج از مسیر شکل‌گیری سرمایه انسانی را به وجود می‌آورد (Oryoie, Alwang, & Tideman, 2017: 54). از این رو وجود هر کودک کار اشاره تلخی به بی‌توجهی به سرمایه‌ای انسانی است که متأسفانه مورد غفلت واقع شده است.

پیرامون راهکارهای پیشنهادی منطبق با یافته‌های این پژوهش، نظر به اینکه در ایران باوجود تلاش نهادهای رسمی و غیررسمی برای مدیریت کار کودکان، تاکنون سیاست‌های فعلی کارآمد نبوده و منجر به حذف کار کودکان نشده است (Mohaqeqi, 2022: 1). به نظر می‌رسد مبارزه با پیامدهای کار کودکان نیازمند سیاست‌گذاری برای درمان علل اصلی این پدیده است. با این حال، پرداختن به این مشکل اجتماعی از منظر سیاست دشوار است. زیرا ممنوعیت کار کودکان می‌تواند تأثیرات نامطلوبی بر دستمزد کودکان داشته باشد، که ممکن است منجر به افزایش کار کودکان برای جبران کاهش درآمد شود. بنابراین، انواع دیگر مداخلات برای مقابله با پیامدهای روانی کار کودک ممکن است ضروری باشد (Feeny & et al, 2021: 893).

با توجه به یافته‌های حاصل، به نظر می‌رسد بررسی مستمر وضعیت کودکان کار و خانواده‌های آن‌ها توسط تیم مددکاری لازم است تا نیازمندان واقعی شناسایی و مورد حمایت قرار گیرند. همچنین، نظارت مداوم و پویا بر انجام وظایف محول شده به نهادها نیز ضروری است تا هماهنگی‌ها و پیگیری‌های لازم صورت گیرد. شهرداری و سازمان بهزیستی می‌تواند تمهیداتی بیندیشد تا در جهت توانمندسازی و خوداتکایی خانواده

کودکان کار، پس از آموزش خوداشتغالی به آن‌ها و خانواده‌هایشان امکان فعالیت در غرفه‌ها یا بازار فروش محصولات آن‌ها را به صورت هفتگی یا ماهانه مهیا سازد تا آن‌ها آسیب کمتری را بر اثر کار در خیابان تجربه کنند. یک راهکار مناسب دیگر می‌تواند اجاره دادن محل‌هایی ثابت حتی به صورت اجاره گروهی و کمک به خانواده کودکان کار از طریق در اختیار قرار دادن سرمایه اولیه توسط دولت و افراد نیکوکار باشد تا از کار کودکان جلوگیری شود. به علاوه فعالیت یکپارچه و هماهنگ تیم مددکاری در کنار نهادهای مردمی و استفاده از تجارب آن‌ها اقدامی سودمند است. به عنوان نمونه مراکز خیریه عملکردهای موفقیت‌آمیزی را در مواجهه با این آسیب داشته‌اند که لازم است بسط و توسعه داده شود.

با توجه به شیوع بالای کودک آزاری در محیط‌های کاری، آموزش کارفرمایان در مورد رفتارهای آزاردهنده، عواقب قانونی و حقوق کودکان برای بهبود درک آن‌ها از مسئولیت‌های خود و در نتیجه پیشگیری از بدرفتاری با کودکان ضروری است. در کنار این موارد، برنامه‌های آموزش خانواده در مورد چگونگی شناسایی مسائل بهداشت روانی در کودکان و نوجوانان به طور بالقوه مورد نیاز است. مدارس، همچنین می‌توانند نقش مهمی را در این زمینه ایفا کنند.

از آنجایی که سلامت روانی ضعیف‌تر کودکان با پیامدهای نامطلوب دیگری مانند پیشرفت تحصیلی پایین، سوء مصرف مواد، خشونت و سلامت باروری ضعیف مرتبط است، درمان زودهنگام، بسیار مهم است و می‌تواند بازده قابل توجهی داشته باشد (Feeny & et al, 2021: 893). به عنوان مثال، سازمان‌های غیردولتی که با کودکان کار، کار می‌کنند، با اولویت‌بندی خدمات خود، می‌توانند منابع بیشتری را برای توانمندسازی آموزشی کارگران دختر، کودکان کوچک‌تر، کودکانی که در مشاغل خارج از خانه کار می‌کنند و کسانی که به‌تنهایی یا با یک والدین زندگی می‌کنند، اختصاص دهند. این سازمان‌های غیردولتی و تلاش‌های حمایتی فعالان اجتماعی می‌توانند برای بهبود محیط‌های کاری صنعت و بخش خدمات که در آن کودکان کار بیشتر درگیر هستند،

هدف قرار گیرد. (مکی علمداری، ۱۳۸۹:۱۴۳). از آنجا که کودکان کار در معرض انواع احساس تنهایی قرار دارند و در زندگی خود احساس بی‌معنایی، ناامیدی و رهاشدگی دارند. بدین منظور می‌توان با سیاست‌هایی مانند بهبود تعامل اجتماعی، تدارک زمینه‌های تحصیل، آموزش مهارت‌های اجتماعی و معنویت‌درمانی بر این احساس کودکان کار غلبه کرد.

با توجه به اینکه یکی از یافته‌های جدید در زمینه عوامل فردی اشتغال کار کودکان، معلولیت آن‌ها بود؛ از این رو باید در جهت اصلاح نگرش منفی و نادرست جامعه و والدین درباره معلولیت کودکان، اقداماتی انجام شود. به عنوان نمونه از طریق رسانه‌ها و برنامه‌های مناسب در این راستا کوشید تا ضرورت توان‌بخشی معلولین مورد توجه بیشتری قرار گیرد و هرگز به بهانه معلولیت کودکان، از منبع استعدادها، توانمندی‌ها و آینده شغلی آن‌ها غفلت نشود.

با توجه به یافته‌های مطالعه جاری که نشان می‌دهد عوامل درون خانواده مانند ضعف مراقبت و حمایتگری والدین از کودک، رفتارهای تخریب‌گرایانه (تنبیه، تحقیر و سرزنش)، بیکاری والدین، طلاق والدین، اعتیاد، بیماری والدین و غیره اثرگذار بوده است؛ از این رو لازم است بر محیط‌هایی که این کودکان در آن رشد می‌یابند به‌ویژه محیط‌های خانوادگی آن‌ها و بر تعامل والدین و کودکان که احتمالاً حاکی از غفلت و توهین و بی‌توجهی به کودک است، توجه شود. برای نمونه می‌توان از برگزاری کارگاه‌های آموزش خانواده و مهارت‌آموزی فرزندپروری در جهت اعتلای آگاهی و فرهنگ خانواده‌ها نام برد.

از آنجا که کار کودکان ذاتاً استثمار و آزار کودکان است، مطالعات بیشتری برای بررسی تلاش‌های مؤثر حمایتی و پیامدهای سیاست کشورهای در حال توسعه برای جلوگیری یا حذف کار کودکان در همه اشکال موردنیاز است (جلیلی مؤید و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، بدیهی است جهت برنامه‌ریزی در مورد رفع هر آسیبی لازم است اطلاعات دقیق، به‌روز و روا، جمع‌آوری شود. به این منظور حمایت از پژوهشگران نیز

جهت انجام پژوهش‌های عمیق و در سطح گسترده می‌تواند سودمند باشد و از بیراهه‌روی در راهکارها و هدر رفتن منابع و امکانات پیشگیری کند.

این پژوهش، مجموعه‌ای از یافته‌ها را معرفی می‌کند که مطلوب است در مرکز توجه پژوهش‌های آینده در حوزه کودکان کار قرار گیرند تا اطلاعات جامع‌تر و ژرف‌تری درباره آن‌ها جمع‌آوری و تحلیل شوند. برای مثال هر کدام از شاخص‌ها و یافته‌های پژوهش، خود پژوهش گسترده و مجزایی را می‌طلبد تا بتوان به شناخت کامل‌تری از متغیرها و سازوکار اثرگذاری آن‌ها دست یافت. افزون بر این، شناسایی عامل‌های مؤثر بر کاهش آسیب کودکان کار، راهنمای مناسبی برای کار روی این آسیب محسوب می‌شود. در نهایت، آنچه در مورد کودکان کار در ایران می‌توان اشاره کرد این است که برخی از کودکان کار، خیابان را به عنوان محل کار خود انتخاب کرده‌اند که از چشم مردم و مسئولان دور نیستند اما کودکانی که در کارگاه‌ها و شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسا مشغول به کار هستند یا کودکانی که در منازل خود تحت سوءاستفاده شدید قرار می‌گیرند کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند (موسوی چلک، ۲۰۱۳:۲۰).

بنابراین، پیشنهاد می‌شود در مورد اشتغال این کودکان نیز آسیب‌شناسی صورت گیرد. همچنین، با توجه به تفاوت‌های موجود در یافته‌های مرتبط به کودکان پسر و دختر، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی، آسیب‌شناسی اشتغال کودکان را در دخترها و پسرها مقایسه کنند. امید است با بررسی‌های عمیق‌تر ابعاد پدیده کودکان کار و به‌کارگیری راهکارهای کارآمد، بار سنگین اشتغال از شانه‌های نحیف کودکان برداشته شود و مسیر رشد و شکوفایی این امیدهای آینده‌ساز برای فردایی بهتر هموار شود.

منابع

- استراوس، انسلم و جولیت، کوربین. (۱۴۰۰)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه: ابراهیم افشار، جلد دوم، تهران: نشر نی، چاپ نهم.
- ایمان‌زاده، علی و علیپور، سریه. (۱۳۹۸)، «تجربه زیسته کودکان کار شهر تبریز از احساس تنهایی؛ مطالعه به روش پدیدارشناختی»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، سال هشتم، شماره ۲: ۲۷۹-۳۰۴.
- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۴)، «وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۹: ۱۵۵-۱۷۳.
- خانجانی، مهدی؛ سهرابی، فرامرز و اعظمی، یوسف. (۱۴۰۰)، «بررسی میزان شیوع اختلالات روان‌شناختی و عوامل پیش‌بین آن در کودکان کار»، *روان‌شناسی فرهنگی*، سال پنجم، شماره ۱: ۱۹۵-۲۱۷.
- خداخواه، نسیم. (۱۳۹۸)، «حمایت اجتماعی از کودکان کار و خیابان»، *حقوق کودک*، سال اول، ۸۹-۷۲.
- خوب‌بخت، حسین و نیکنمی، بنت‌الهدی. (۱۳۹۸)، «نقد و بررسی سیاست‌ها و راهکارهای ارائه شده برای حمایت از کودکان کار و خیابان»، *حقوق کودک*، سال اول، شماره ۱: ۹۳-۱۰۹.
- سلیمانی نژاد، روح‌الله. (۱۳۹۵)، *بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی کودکان کار با کودکان عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره توان‌بخشی*، دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
- شفیق‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۶)، *توانبخشی شغلی و حرفه‌ای معلولین*، تهران: ناشران جنگل، جاودانه، چاپ پنجم.
- شفیق‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۴)، *راهنمایی و مشاوره شغلی و نظریه‌های انتخاب شغل*، تهران: انتشارات تهران، چاپ بیست و سوم.
- شیشه‌گران، مریم و حاجی ده‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۹۷)، «بررسی بزه دیده شناختی کودکان کار»، *قانون یار*، سال دوم، شماره ۸: ۴۷۷-۵۰۶.
- صالحی، جواد و انتصارفومنی، غلامحسین. (۱۳۹۱)، «شیوع اختلال‌های رفتاری در نوجوانان دبیرستانی استان زنجان (۸۹-۱۳۸۸)»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، سال شانزدهم، شماره ۶۴: ۵۴-۵۹.

آسیب‌شناسی اشتغال کودکان کار خیابانی تهران...، شفیق آبادی و همکاران | ۳۳

- فولادیان، مجید؛ طوسی فر، جمال و وزیری، سید حسین. (۱۳۹۵)، «روایت پژوهی کودک کار شدن در شهر مشهد»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، سال پنجم، شماره ۴: ۴۸۵-۵۱۰.
- کرمانیان، سیمین؛ صالحی، مهدیه و ملازاده، علیرضا. (۱۴۰۰)، «مقایسه تنظیم هیجانی و خودکارآمدی در کودکان کار و عادی»، *فصلنامه روانشناسی سلامت و رفتار اجتماعی*، سال اول، شماره ۱: ۱-۱۴.
- محمود نژاد، محبوبه؛ کربلایی محمد میگونی، احمد و ثابت، مهرداد. (۱۳۹۷)، «پیش‌بینی ایده پردازی خودکشی و خشونت بین فردی در کودکان کار بر اساس آسیب کودکی، دشواری‌های تنظیم هیجان و صفات سنگدلی - فقدان همدلی»، *دست‌آوردهای روان‌شناختی*، سال بیست و پنجم، شماره ۱: ۱-۲۲.
- مقدس جعفری، محمدحسین؛ ویسی نژاد، نور محمد و درستی، امیرعلی. (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش پدیده کودکان کار - مطالعه موردی شهر اهواز»، *علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)*، سال دوم، شماره ۲۱: ۵۵-۷۲.
- مکی علمداری، سارا. (۱۳۸۹)، «کودکان کار، آسیب‌ها و راهکارها»، *چشم‌انداز ایران*، شماره ۶۵، ۱۴۳-۱۴۱.
- موسوی چلک، حسن. (۱۳۸۵)، «رشد روزافزون کودکان کار نگران‌کننده است»، *نشریه اقتصاد*، شماره ۱۹۳: ۲۰-۲۱.
- میرحسینی، زهرا و قربانی، الهه. (۱۳۹۸)، «تجربه زیسته دختران کار خیابانی؛ در بستر ملاحظات جنسیتی و تفاوت‌های قومیتی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، سال بیست و ششم، شماره ۸۴: ۱۱۹-۱۴۶.
- نعیمی حصار، صفورا؛ صادقی، یلدا و زرقی، موسی. (۱۳۹۶)، «کودکان کار و آسیب‌های تهدیدکننده»، *کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*، کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون.
- https://www.civilica.com/Paper-KAUHEM01-KAUHEM01_226.html
- وامقی، مروثه؛ دژمان، معصومه؛ رفیعی، حسن و روشنفکر، پیام. (۱۳۹۴)، «ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی در شهر تهران، ۱۳۹۲ (علل و خطرهای کار کودکان در خیابان)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، سال چهارم، شماره ۱: ۳۳-۵۷.

- یوسفی، فائق؛ عرفانی، نصرالله؛ خیرآبادی، غلامرضا و قانع، حسین. (۱۳۷۹)، «بررسی شیوع اختلال‌های سلوک و نافرمانی در دانش‌آموزان راهنمایی استان کردستان»، *روانشناسی بالینی ایران*، سال بیست و دوم، شماره ۲۳: ۴۸-۵۴.

- Ahmed, Salma, and Ranjan Ray. (2014). "Health consequences of child labour in Bangladesh." *Demographic research*, (30/4), 111-150.
- Aransiola, Temidayo James, and Marcelo Justus. (2018). "Child labor hazard on mental health: Evidence from Brazil." *J Ment Health Policy Econ*, (21/2), 49-58.
- Audu, Bala, Ado Geidam, and Hajara Jarma. (2009). "Child labor and sexual assault among girls in Maiduguri, Nigeria." *International Journal of Gynecology & Obstetrics*, 1(104/1), 64-67.
- Bradbury-Jones, Caroline, Anita Morris, Dana Sammut, and Cathy Humphreys. (2020). "Domestic Violence and Abuse and Children: Principles of Practitioner Responses." *In Domestic Violence in Health Contexts: A Guide for Healthcare Professions*, pp. 77-87. Springer, Cham.
- Edmonds, Eric V. (2007). *Child labor. Handbook of development economics*. Chapter 57 Child Labor, ed. by T. Paul Schultz and John A. Strauss, 4: 3607-3709.
- Feeny-Posso-Skali-Jyotishi-Nath, Viswanathan. (2021). "Child labor and psychosocial wellbeing: Findings from India". *Health Economics*, (30)4, 876-902.
- Goldhagen-Clarke-Dixon-Guerreiro-Lansdown, Vaghri. (2020). "Thirtieth anniversary of the UN Convention on the Rights of the Child: advancing a child rights-based approach to child health and well-being". *BMJ paediatrics open*, 4(1).
- Helton, J. J., Carbone, J. T., Vaughn, M. G., & Cross, T. P. (2020). Emergency department admissions for child sexual abuse in the United States from 2010 to 2016. *JAMA pediatrics*, 174(1), 89-91.
- Hughes-Bellis-Hardcastle-Sethi-Butchart-Mikton, Dunne. (2017). "The effect of multiple adverse childhood experiences on health: a systematic review and meta-analysis". *The Lancet Public Health*, 2(8), 356-366.
- ILO. (2013). "Marking progress against child labour: Global estimates and trends". *International Labour Office, International Programme on the Elimination of Child Labour*. (IPEC).

- Jalili-Mohaqeqi Kamal-Sajjadi-Vameghi-Ghaedamini Harouni-Makki Alamdari. (2021). "Child labor in Tehran, Iran: Abuses experienced in work environments". *Child Abuse & Neglect*, 117, 105054. Aransiola, 1-8. doi.org/10.1016/j.chiabu.2021.105054.
- Kazemi, Simin. (2017). "The Labour Children: In a World They Never Made!" *Community Health*, (4/2), 76-78.
- Mohaqeqi Kamal-Jalili Moayad-Sajjadi-Vameghi-Ghaedamini Harouni, Mohammadi Ghareghani, Ahmadi. (2022). "Designing and validation of a workplace abuse questionnaire among child labour". *Children & Society*. 36(5), 790-805.
- Moradi-Sajjadi-Mohaqeqikamal-Vameqi-Teshnizi, Qaedamini. (2016). "Study of labour children's social health referring to Non-Governmental Organization in support of children's rights in Tehran in 2014". *J Rafsanjan Univ Med Sci*, 14(10), 977-988.
- Oryoie, Ali Reza, and Jeffrey Alwang. (2018). "School attendance and economic shocks: Evidence from rural Zimbabwe." *Development Southern Africa*, (35/6), 803-814.
- Oryoie-Alwang, Tideman. (2017). "Child labor and household land holding: Theory and empirical evidence from Zimbabwe." *World Development* 100, 45-58.
- Pinzon-Rondon-Botero-Benson-Briceno, Kanamori. (2010). "Workplace abuse and economic exploitation of children working in the streets of Latin American cities." *International journal of occupational and environmental health*, 16(2), 150-157.
- Shamkhaly, Leila. (2020). "A Comparison of Prosocial Personality and Belief in a Just World and the Psychological Reaction of Tehran's Adolescent Supported and Street Working Girls." *The Women and Families Cultural-Educational*, (14/50), 93-106.
- De Benítez, Sarah Thomas. (2011). *State of the world's street children*. London: Consortium for Street Children.
- Yohn-Galbraith-Calipari, Conn. (2019). "Shared Behavioral and Neurocircuitry Disruptions in Drug Addiction, Obesity and Binge Eating Disorder: Focus on Group I mGluRs in the Mesolimbic Dopamine Pathway." *ACS Chem Neurosci*. 10(5), 2125-2143.

منبع الکترونیکی:

- پارسی، طوبی. (۱۳۹۹). بررسی حقوق کودکان کار و وظایف والدین و دولت در پرتو نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی. کد خبر <http://bazbarankhabar.ir/p=9684#9684>
- قادری، سلمان. (۱۳۹۸). مبارزه با کار کودک، واقعیت‌ها و افسانه‌ها، پایگاه اطلاع‌رسانی مددکاران اجتماعی ایران، وبسایت iraniansocialworkers.ir

- Ray, P; Davey, C; Nolan, P (2011), Still on the Streets-Still Short of rights Analysis of Policy and Programs Related to Street Involved Children, *Consortium For Street Children Salamatonline*, what are the most common diseases in labour children. Available from: <http://yon.ir/Gfip>
- Technical website for social work. Statistics of child labour in the world and Iran. Available from: <http://www.a-sasw.com/p/14355>. (Accessed 14 Mar. 2017).
- "What is child labour (IPEC)". www.ilo.org. Retrieved 2018-07-25. United Nations Children's Found (2005).



استناد به این مقاله: شفیع آبادی، عبدالله؛ کلانی، اعظم و پورموسوی، مریم. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی اشتغال کودکان کار خیابانی تهران: یک پژوهش گراند تئوری. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۵(۵۴)، ۱-۳۶.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.